

سیزدهم ژوئیه، سالگرد اشغال تبریز و کشتار مردم آن به دست سپاهیان سلطان سلیمان



برگرفته از تاریخ ایرانجهر

۴۷۹ سال پیش در چنین روزی ۱۳ ژوئیه ی ۱۵۳۴ ، نیروهای سلطان سلیمان عثمانی در جریان لشکرکشی دوم این امپراتوری به ایران ، شهر تبریز را تصرف کردند . قاضی احمد قمی از قتل عام هفت تا هشت هزار نفر از مردم بی گناه تبریز سخن گفته است . وی می نویسد : تمامی مزدوران خود را به کوجه ها و محل ها انداخته ، هر کس را به نظر مظنون میامد به درجه شهادت رسانیده و از دیوار باغچه به خانه ها درآمده هر کس را که در تقب ها و زیر زمین ها پنهان شده بود ، بیرون آورده به قتل رسانیدند . قریب هفت تا هشت هزار نفر به قتل درآورده ، صد نفر از پیرزنان طعمه شمشیر ساختند و چند تن از سادات صحیح النسب و علما و صلحا در این قتل عام شریعت شهادت نوشیدند و اطفال شیر خواره را پای به شکم نهاده به عالم آخرت رسانیدند و موازی هفت هشت هزار نفر از ساده رخا مه لقا و دختران سمن سیما و زنان

بیش مشابہ قاضی احمد قمی گفته است . وی می نویسد : در اثناء تعمیر قلعه ، عثمان پاشا در تبریز تجویز قتل عام نمود ... رومیان به مجرد شنیدن آن کلمه ، با تیغ های کشیده به شهر ریخته آغاز سرافشانی نمودند... رومی ها در بیرون هر کس را دیدند به قتل رسانیدند و شروع در خانه ها کرده به هر خانه راه یافتند مردان را طعمه شمشیر بلا ساخته اموال و اسباب را نهب و غارت نمودند و بسیاری از نساء و صبیان را اسیر کردند . فریاد و فغان اطفال و عورات به فلک اثیر رسید... بود

حورلقا و اطفال مسلمانان از تبریزیان اسیر نموده در میانه خرید و فروخت نمودند (...). مجملأ از ظهور اسلام تا غایت ، این نوع قتل عامی بر زمره مومنین سمت ظهور نیافته بود و هیچ یک از سلاطین کفر جرأت به این امر شنیع نکرده بودند که از این عثمان [عثمان پاشا] بی ایمان نسبت به مسلمانان صادر شد...

پروژه ای از سلطان سلیمان قانونی

این نویسنده در ادامه، به نقل چند بیت شعر از میرجعفر تبریزی درباره ی کشتار مزبور پرداخته که در آنها ، شاعر از کشتار مردم در ماه مبارک رمضان، چنین تاله و فغان سر داده است :

**تبریز چو گریلا شد از شین و شن
فرقی که بود همین بود در ما بین
کان بر حسین در محرم بوده است
این در رمضان بر محبان حسین
در آخر ماه روزه تبریز الحق
گرهید چو گریلا ز خون ناحق**
اسکندر بیگ ترکمان نیز در کتاب 'عالم آرای عباسی' درباره ی قتل عام مردم تبریز، سخنی کم و

علاوه بر مورخان ایرانی ، برخی از مورخان عثمانی که بعضا خود نیز در هنگام تصرف تبریز حضور داشته اند ، به صراحت به قتل عام مردم تبریز اشاره کرده اند ؛ از جمله 'حریعی' که رساله ای به نام 'فتح تبریز' نوشته است ، در دو قسمت از اثر خود، از رفتار دد منشانه ی قوای عثمانی با مردم تبریز این گونه سخن گفته است : عساکر ؛ از سحرگاه دست به هجوم همه جانبه زده ، اموال و اسباب و دارایی اهالی شهر را چنان مورد غارت و چپاول قرار دادند که صد مرتبه بشر از عملی که تیمور در حمله به سیواس مرتکب شده بود را مرتکب شدند . او ضمن اشاره به علت خشم سپاهیان عثمانی ، به صراحت از قتل عام مردم تبریز این گونه سخن گفته است : پیروزی تا چیزی که نصیب دشمن دین و گروه ضالین شد ، موجب شادی و سرور مردم شهر تبریز گشت . آنها پس از آن، هرگاه عساکر روم را تنها می یافتند آنها را لغت می کردند و یا می کشتند . عساکر

بقیه در صفحه ۱

سیزدهم ژوئیه، سالگرد

روم از این عمل به ستوه آمدند و لیکن از سوی حضرت سردار اجازه غارت و قتل عام مردم را نداشتند . اما ندایی در میان آنان پیدا شد که می گفت : عساکر روم از جانب رب العالمین مجاز به غارت و قتل عام مردم اند . از این رو عساکر از یک طرف هجوم همه جانبه آورده ، زن و مرد بی شماری را که در شهر

و در اردویشان بود ، را قتل عام کرده و مال و منالشان را به غارت و یقما بردند . از جمله مورخان معروف دیگر عثمانی که به واقعه ی تبریز به صراحت اشاره کرده اند ، یکی مصطفی سلانیکلی افندی و دیگری 'ابراهیم پچوی افندی' است . سلانیکلی می نویسد : مردم [تبریز] هرگاه عساکر را تنها می دیدند ، درصدد انتقام برمی آمدند . مردم در

دل عقده داشتند و به دنبال بهانه بودند تا داد خود را بستانند . از این رو به خواست خدا، بر زبان عساکر چنین جاری شد که این مردمان سستیزه جو را باید قتل عام کرد والا اینها نه مطیع می شوند و نه تن به قبول حق می دهند... [ناگهان یک روز آشوب و واویله ای به پا خواست ، عامه عساکر اسلام سلاح برگرفته و گفتند قتل عامی به پا خواسته است ...] نخست شهر غارت و

یغما شد و همراه با نهب و غارت ، قتل عام مردم نیز عملی شد . پچوی نیز در تاریخ خود به واقعه ی تبریز به صراحت اشاره کرده است . البته وی گروه هایی از مردم که از دم تیغ سپاه خونریز عثمانی گذشتند را به طور مشخص نام برده است . وی می نویسد : عساکر، شهر را مورد هجوم همه جانبه قرار داده و به مدت سه روز و سه شب عموم مردم را قتل عام کردند...

<p>شاهزاده ، مناقشه نکردن (بر سر) محالی بود که به تصرف آل عثمان درآمده بود. شرط مزبور حاکی از نهایت امیال و اهداف توسعه طلبانه ی عثمانی در قلمرو خاک ایران بود ؛ اهدافی که با جنگ های دوازده ساله و انعقاد معاهده استانبول - هر چند مقطعی- به آنها دست یافتند .</p>	<p>با اعزام هیاتی به باب عالی و انجام گفتگوهایی که به عقد معاهده ی صلح استانبول منجر شد (۹۸۸) [ق/ ۹۵۹ خ] . پایان یافت . به موجب این معاهده ، قلمرو وسیعی از خاک ایران در قفقاز و غرب کشور که در طول سال های جنگ به تصرف قوای عثمانی درآمده بود ، به آن کشور واگذار شد . به تعبیر اسکندر بیگ منشی ، شرط مصالحه رومیان و فرستادن</p>	<p>نداده اند. بنابراین می توان گفت که این قتل عام نمی توانسته بدون نظر موافق عثمان پاشا اتفاق افتاده باشد . جنگ های دوازده ساله ی ایران و عثمانی که از دومین سال سلطنت شاه محمد خدابنده (۹۸۶) [ق/ ۹۵۷ خ] شروع شده بود ، با قتل عام مردم تبریز (۹۹۳) [ق/ ۹۶۴ خ] به نقطه ی اوج خود رسید و در سومین سال سلطنت شاه عباس ،</p>	<p>عساکر هر که را از سادات ، بزرگان ، نجار ، و اهل صنعت و حرف یافتند بی رحمانه به قتل رساندند. بیشتر مورخان عثمانی، بعد از بیان حادثه ی کشتار مردم تلاش کرده اند تا سردار عثمانی، عثمان پاشا را بی تقصیر جلوه داده ، قتل عام را ناشی از اقدام خودسرانه ی عساکر قلمداد کنند ؛ اما برای این نظر خود هیچ دلیل قابل قبولی ارائه</p>
---	--	---	---